

آیت‌الله بافقی رحمتهآیت‌الله مدرس رحمتهآیت‌الله حاج آقا حسین قمی رحمتهحاج آقا نورالله اصفهانی رحمته

محمد بهمنی

پژوهشگر موسسه امام خمینی رحمتهتحلیلی بر اولویت مبارزه فرهنگی بر مبارزه سیاسی آیت‌الله حائری رحمته و آیت‌الله بروجردی رحمته

## رابطه تکلیف با سطوح مختلف اهداف و نتایج

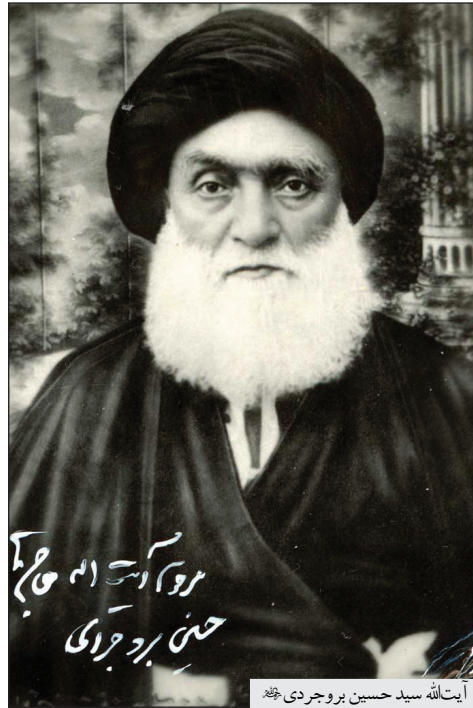
شهید می‌شوند. آیت‌الله حاج آقا حسین قمی در مشهد علیه کشف حجاب قیام می‌کند. مرحوم آیت‌الله بافقی به سبب امر به معروف نسبت به خانواده شاه، در حرم مطهر حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) فلک می‌شود. و اما حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته ضمن مخالفت بودن با اقدامات رژیم، و همسویی با این بزرگان، هیچ اقدام عملی علنی هم ندارد؛ زیرا او در برابر منکر بزرگی به نام «رژیم پهلوی» به دنبال اقدامی اساسی و در همان اندازه است. او در مقابل اقدامات فرهنگی ضد دینی پهلوی، بنیان یک معروف اساسی، و بنیادین به نام «حوزه علمیه قم» را پی‌ریزی می‌کند. حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته هنگامی که از رخدادهای مسجد گوهرشاد و قیام مرحوم قمی، مطلع می‌شود، برای کسی که این اخبار را برای ایشان آورده بود و توقع موضع‌گیری شفاف و علنی از حاج شیخ عبدالکریم داشت، سکوت حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بعد از وفات پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) و جواب آن بزرگوار به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) را یادآوری می‌کند و با گریه می‌گوید: وقتی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها خطاب به حضرت امیر از علت سکوت می‌پرسد، صدای اذان بلند می‌شود. امیر المؤمنین می‌فرماید: اگر بخوایم این اذان بماند، باید سکوت کنم.

حاج شیخ عبدالکریم درحالی که خود گریه می‌کند، می‌گوید: نهال حوزه، هنوز ریشه نگرفته است و این آدم - اشاره به رضا خان - به دنبال بهانه

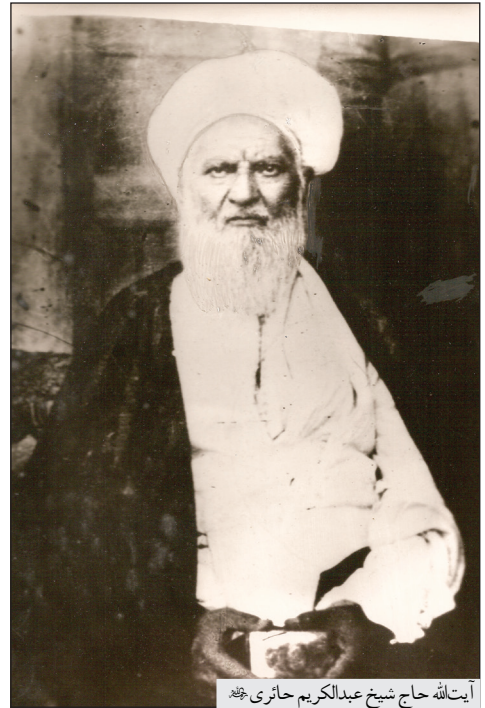
### تکلیف‌گرایی در سیره عملی آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری و آیت‌الله بروجردی

مطالعه تاریخ معاصر ایران و بخصوص تاریخ حوزه علمیه قم، از نقش ویژه آیت‌الله حائری یزدی معروف به «مؤسس» و آیت‌الله بروجردی حکایت دارد. تأسیس رژیم پهلوی در دوره مرجعیت و زعامت آیت‌الله حائری و سیاست‌های فرهنگی و ضد دینی عصر رضاخان، بررسی نقش آیت‌الله مؤسس را اهمیتی دوچندان می‌بخشد؛ و دوره مرجعیت آیت‌الله‌العظمی بروجردی در عصر پهلوی دوم و رخدادهای گوناگون این دوره از ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ ش، ما را به تحلیل عملکرد این دو مرجع بزرگ وامی‌دارد.

دوره رضاخانی ابتدا با تزویر و فریب و سپس با خشونت و دیکتاتوری، عصر حمله به نهادهای دینی بود. نابودی حوزه‌های علمیه، کشف حجاب، ممنوعیت مجالس دینی، رواج بی‌بندوباری، حبس و اعدام و تبعید بزرگان شیعه، ترویج مراکز آموزشی غربی و ... تنها گوشه‌ای از دوره بیست‌ساله عصر رضاخانی است. اما این همه فعالیت منفی دولت علیه دین، به طور طبیعی اقدامی در همان اندازه و با همان استحکام را می‌طلبد. در این دوره بیست‌ساله، شاهد قیام برخی بزرگان مانند قیام حاج آقا نورالله اصفهانی در سال ۱۳۰۶ ش هستیم که با شهادت این مرجع مجاهد ناکام می‌ماند. امثال آیت‌الله مدرس ابتدا تبعید و بعد



آیت‌الله سید حسین بروجردی رحمته



آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته

است که این مرجع با حساسیت تمام، تغییر رسم‌الخط را به عنوان نخستین گام در جدا کردن جامعه از میراث فرهنگی و تاریخی خود، مخالف مصالح کشور دانست و با آن مقابله کرد. اقدامات آیت‌الله‌العظمی بروجردی، را باید در احساس تکلیف ایشان در حفظ اساس حوزه در گام نخست و سپس حفظ جامعه اسلامی در مسیر درست دینی و اسلامی دانست.

اقدام آیت‌الله مؤسس در تأسیس حوزه علمیه قم و اقدامات آیت‌الله بروجردی در تقویت این حوزه، مقدمات لازم برای پرورش نیروی انسانی لازم برای انقلاب اسلامی را در سال ۵۷ فراهم کرد. بسیاری از شاگردان مکتب حاج شیخ عبدالکریم حائری کسانی بودند که سال‌ها بعد به عنوان یاران امام رحمته، به تحقق نظام مقدس جمهوری اسلامی یاری رساندند. بررسی مراحل و اقدامات حضرت امام خمینی رحمته به عنوان ثمره این حوزه و این مکتب، نیز مؤید و شاهدهی روشن بر تکلیف‌مداری و نتیجه‌طلبی است که البته در بسیاری از موارد، با معیارهای مادی و بشری، نه قابل پیش‌بینی بود و نه اکنون قابل تحلیل خواهد بود.

می‌گردد که آن را از ریشه دریاورد. حاج شیخ عبدالکریم با آن که با قیام حاج آقا نورالله اصفهانی موافق بود و حتی بر اساس برخی اسناد، مخفیانه کمک‌هایی هم به قیام داشت اما بر اساس تکلیفی که در تأسیس یک مرکز فکری و فرهنگی استوار در مقابل جریان ضد دینی بر عهده داشت، از حمایت علنی پرهیز می‌کرد. آیت‌الله بروجردی را باید نخستین مرجع بعد از انتقال مرجعیت از نجف به ایران دانست. پس از وفات آیت‌الله سید ابوالحسن مدیسه‌ای اصفهانی، در سال ۱۳۳۴ ش، آیت‌الله بروجردی به عنوان مرجع در سراسر ایران شناخته شد. چگونگی حضور این مرجع بزرگ نیز بی‌شبهت با سلف صالحش آیت‌الله مؤسس نبود. او در تعاملی ویژه با حکومت، ضمن بیان دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خویش از طریق وزرایی که همراهی قم را برای خود یا رژیم دنبال می‌کردند، از انتقاد شدید نسبت به حاکمیت نیز اجتناب می‌کرد. در عین حال از هر اقدامی که اساس دین، تشیع و حوزه نوپیدا قم را مورد تهدید قرار می‌داد، در حد توان جلوگیری می‌کرد. مخالفت شدید و قاطع آیت‌الله بروجردی با تغییر خط فارسی به لاتین، نمونه این گونه اقدامات

### حاج شیخ عبدالکریم با

آن که با قیام حاج آقا نورالله

اصفهانی موافق بود و حتی

بر اساس برخی اسناد،

مخفیانه کمک‌هایی هم به

قیام داشت اما بر اساس

تکلیفی که در تأسیس یک

مرکز فکری و فرهنگی

استوار در مقابل جریان

ضد دینی بر عهده داشت،

از حمایت علنی پرهیز

می‌کرد.